

## تشیع در جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران  
الباس واحدی

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. در حال حاضر ۷۵ تا ۸۰ درصد از مسلمانان جمهوری آذربایجان و ۷۰ تا ۷۵ درصد از کل جمعیت کشور را شیعیان تشکیل می دهند. در بین اقوام ساکن در آذربایجان آذری ها بیشترین سهم و تعداد را در جمعیت شیعه کشور دارند و بعد از آن تالش ها قرار دارند. لرگی ها، تاتارها، کردها و آوارها از دیگر اقوام مسلمان هستند که شیعیان در بین آنها در قالب اقلیت وجود دارند. در دوره های گذشته شیعیان جمهوری آذربایجان در برابر جریان های تضعیف کننده، اعتقادات مذهبی خود را حفظ نمودند. یکی از این جریان ها نفوذ و تأثیر امپراتوری عثمانی بود که به منزله مدافع مذهب تسنن در برخی دوره ها به شکل جنگ های مسلحانه رودر روی شیعیان ایران و سرزمین کنونی جمهوری آذربایجان قرار می گرفت. جریان دوم حاکمیت امپراتوری تزار روسیه بود که پس از جدا شدن آذربایجان از ایران در پی گسترش و تسلط دین مسیحیت (ارتدوکس شرقی) در این دیار بود. جریان سوم برعکس دو جریان اول ماهیت ضددینی داشت. این جریان تسلط ایدئولوژی کمونیسم در آذربایجان بود که در پی استحاله کامل و همه جانبه اقوام ساکن در شوروی برآمد. در فرآیند آسیمیلاسیون و استحاله شهروندان شوروی، هویت دینی آنها بیش از سایر خصیصه ها صدمه دید. زیرا ایده کمونیسم - لنینیسم دین را افیون توده ها می دانست و درصدد محو تعلقات دینی همه شهروندان (اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و ...) بود. در بین جریان های ضدشیعی یاد شده، دو جریان اول نتوانستند، صدمه اساسی بر شیعه گری آذربایجان وارد نمایند و منشأ تغییر و تحول نبودند. تلاش های امپراتوری عثمانی محدود به مذهب در حاشیه اهل سنت گردید که همواره در سایه مذهب شیعه قرار داشت. سلطه گری سیاسی و قومی - دینی تزاریسم نیز نتوانست محدودیت آنچنانی برای اعتقادات شیعی ایجاد کند و یا ارتدوکس مسیحی را بر مذهب شیعه حاکم سازد. برخی تحلیل گران بر این باورند که حاکمیت تزار که درگیر جنگ های سختی با عثمانی های سنی مذهب بود، در مواردی از شیعیان حمایت می کرد و با قرار دادن شیعیان در مقابل اهل تسنن در تلاش بود تا از شکل گیری اندیشه های حمایت از امپراتوری عثمانی که با آذری ها از حیث دین، زبان و هویت تاریخی و فرهنگی اشتراکات زیادی داشت، پیشگیری نماید. بعد از الحاق مناطق قفقاز به روسیه تزاری در ابتدا حاکمیت روس محدودیت هایی را برای مسلمانان ایجاد کرد که بعدها با توجه به مشکلات داخلی امپراتوری، این محدودیت ها کم رنگ شد. مسلمانان آذربایجان به ویژه شیعیان به راحتی به ایران و اماکن مذهبی در سایر کشورهای اسلامی مسافرت می کردند و در مناسک حج شرکت می جستند. اعزام به حج مسلمانان ساکن در امپراتوری روسیه عمدتاً از طریق خاک ایران انجام می شد. طبق آمار که در این زمینه موجود است، در این دوران بیش از ۶۰ هزار نفر از مسلمانان ساکن در روسیه به حج رفتند و ایران یکی از کشورهای بود که بخش اصلی این حجاج از طریق خاک آن عازم عربستان می شدند و در این میان آذری های شیعه سهم عمده را داشتند. (1) برعکس جریان های ضدشیعی قبلی، جریان کمونیستی با رویکرد آتئیستی نتوانست صدمات جبران ناپذیری بر موجودیت شیعیان آذربایجان وارد نماید. شرایط خاص شیعیان در جمهوری آذربایجان را در دو بخش می توان تجزیه و تحلیل کرد. یک بخش مربوط به قابلیت ها، توانمندی ها و فرصت های موجود و نهفته در جامعه شیعیان این کشور است و بخش دیگر چالش های پیش رو و تهدیدها را دربرمی گیرد که توضیح هر کدام در پی می آید:

قابلیت ها و فرصت ها

تعداد جمعیت و تسلط بر حاکمیت: شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری ها) از حیث توانمندی جمعیتی بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری های شیعه مذهب است. جمهوری آذربایجان از این حیث وضع برجسته ای در بین کشورهای شیعه دارد. از این نظر این کشور شرایط به مراتب بهتری از عراق و لبنان و وضعیتی مشابه جمهوری اسلامی ایران دارد. حاکمیت در آذربایجان به شکل ریاستی است و اختیارات اصلی در دست رئیس جمهور قرار دارد و رؤسای قوای دیگر نیز از حیث قومی و مذهبی شیعیان آذری هستند. افزون بر اینها سایر اهرم های قدرت نظیر نمایندگان مجلس، شهرداران، نظامیان بلندپایه و رسانه های گروهی نیز به شکلی تقریباً یکدست در دست شیعیان است. عوامل تقویت کننده خارجی: استقلال جمهوری آذربایجان و تشکیل دولت ملی به دست شیعیان فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضددینی شوروی بیرون آیند و به احیای مذهب خود همت گمارند. این رویداد توسط عوامل خارجی در منطقه قابل تقویت بود که بهترین فرصت در این خصوص وجود کشور قدرتمند و تأثیرگذار چون جمهوری اسلامی ایران بود که برپایه ایدئولوژی منشعب از مذهب تشیع اداره می گردد. علاوه بر این در سال های اخیر قدرت یافتن شیعیان در برخی دیگر از کشورها نظیر عراق و لبنان نیز زمینه های فرصت ساز را بیش از پیش برای شیعیان آذربایجان فراهم ساخت. ارتباط سهل و روان شیعیان آذربایجان با ایران به ویژه مناطق آذری نشین عامل خارجی دیگری است که سبب تقویت روحیه مذهبی در شیعیان آذربایجان می گردد. سفرهای زیارتی شیعیان آذربایجان به ایران به ویژه به مشهد و تحصیل طلاب علوم دینی این کشور در حوزه های علمیه ایران نیز می تواند سبب تحکیم جایگاه شیعه در آذربایجان می شود. کما اینکه افرادی که پس از تحصیل در مدارس دینی ایران به آذربایجان بازگشته اند، در ترویج اندیشه شیعی ایرانی کوشیده اند. تحلیل گران مسائل آذربایجان بر این باورند که پس از استقلال این جمهوری طی مدت ۵ سال اول رشد و گسترش اندیشه های ایرانی شیعه بسیار درخور توجه بوده است. کتاب های مذهبی و ایدئولوژیک چاپ شده در ایران به وفور در کتابفروشی های شهرهای مختلف در معرض دید بوده و مورد استقبال قرار می گرفت ولی پس از آن، دوره افول و تضعیف فرهنگ دینی - اجتماعی ایرانی در این جمهوری آغاز شد. بدیهی است که جایگاه قابل ملاحظه فرهنگ ایرانی را فرهنگ نفوذی از ترکیه و غرب تصاحب کرد. دلایل پیش آمدن چنین وضعیتی عموماً عدم همکاری دولت باکو و تلاش های گسترده محافل غربی عنوان می شود. ضعیف بودن بنیان دینی مردم در اثر زیستن طولانی مدت در محیط ضددینی کمونیسم نیز از علل بروز این وضع برشمرده می شود. اما ذکر این نکته در اینجا لازم است که علت اصلی تضعیف جایگاه تفکر شیعی ایرانی در آذربایجان سلب اعتماد آذری ها نسبت به ایران است. آذری ها که دارای دین، مذهب و قومیت حاکم و غالب هستند، هویت قومی - ملی و دینی - مذهبی را از هم جدا نمی سازند. روابط رو به رشد ایران و ارمنستان و عدم حمایت قاطع از باکو در قضیه قره باغ توسط جمهوری اسلامی ایران آشکارترین و شایع ترین دلیل وضعیت یاد شده است و به جرأت می توان گفت که بزرگ ترین ضربه را به گسترش تفکر شیعی ایرانی در آذربایجان وارد ساخت. علی رغم اینها علمای شیعه ایرانی هنوز جایگاه خاصی در این کشور دارند. دیدگاه ها و تفکرات دینی - سیاسی رهبر جمهوری اسلامی ایران هنوز جایگاه درخور توجهی در بین دینداران آذری دارد و علاوه بر این دیدگاه های آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سیستانی و آیت الله میرزا جواد تبریزی طرفداران مشخص دارد. (2) پیشینه دینگرایی شیعه در منطقه: شیعیان آذربایجان از دیر باز به حفظ شعائر مذهبی و انجام فعالیت های دینی اهتمام داشتند. در دوره های حاکمیت تزارها و شوروی این تلاش ها به شکل مبارزات دینی بروز می نمود. این مبارزات اغلب به دلیل ماهیت استبدادی نظام های غیرمسلمان حاکم پس از چند سال و با کشتارهای وسیع و برنامه ریزی شده علما و دینداران خاموش می گشت. در زیر نمونه هایی از این کشتارها و مقاومت شیعیان ذکر می گردد.

- در اوایل دهه ۱۹۲۰ در پی آغاز نظارت های شدید کمونیستی و محو شعائر مذهبی به دستور لنین، ۸۰۰ روحانی در آذربایجان کشته شدند که از این تعداد ۱۷ نفر در حوزه های

علمیه نجف، قم و مشهد تحصیل کرده و دارای درجه اجتهاد بودند. برجسته ترین این مجتهدین آیت الله سیدغنی بادکوبه ای و آیت الله شیخ قدرت الله ابراهیمی بودند که به طرز فجیعی اعدام گردیدند. (3)

– در فاصله ۱۰ ساله بین سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ بیش از ۳۰۰ هزار نفر از دینداران در جمهوری آذربایجان توسط تشکیلات های مختلف کمونیستی قتل عام شدند. در این سال ها تعقیب علمای دینی که اکثر آنها شیعه بودند، به طور جدی دنبال شد، قرآن کریم به منزله یک «کتاب زیان آور» ممنوع گردید و مساجد تخریب شدند و یا تبدیل به انبار، کلوپ، کتابخانه و یا مدرسه شدند. تنها در سال ۱۹۲۹ حدود ۴۰۰ مسجد در آذربایجان بسته شد و ۱۲۰ مسجد نیز تخریب گردید و یا تغییر کاربری داده شد. (4)

در این دوران سال ۱۹۳۷ اوج سخت گیری ها و اقدامات خشونت بار کمونیست ها علیه دینداران و علمای شیعه در آذربایجان بود. به طوری که اسلامگرایان آذربایجان این سال را به عنوان ضرب المثل و مصداق بالاترین حد فشار و خفقان علیه دینداران به کار می برند. در این میان مناطق مرکزی جمهوری و مکان هایی که مرکز تحصیل علوم دینی و یا دارای اماکن مقدس (امامزاده ها و مساجد معروف) بودند، بیش از سایر نقاط آسیب دیدند. (5)

به گفته شاهدان وقایع ضددینی آن سال ها، مأمورین نظام کمونیستی علما و روحانیون را وادار به کارهای ضددینی از جمله سوزاندن قرآن می کرده اند و با مشاهده مقاومتشان آنها را در چاه هایی که «نارگین» نامیده می شد، انداخته و چاه را با دینامیت منفجر می کردند. از دیگر شیوه های خشونت آمیز و فجیع کمونیست ها می توان به بستن وزنه به پای روحانیون و انداختن آنها در دریا اشاره کرد. شاهدان این ماجراها نقل می کنند که عامه های سفید روحانیون غرق شده چنان سطح آب را می پوشاند که از دور دسته پرندگان دریایی یا کبوتران سفید را در ذهن تداعی می کرد. تبعید علما به مناطق سیبری و تیرباران آنها نیز از دیگر شیوه های رایج کمونیست ها بود. (6)

در برابر اقدامات ظالمانه و غیرانسانی کمونیست ها، اکثر دینداران علی الخصوص روحانیون شیعه تا پای جان مقاومت می کردند. آیت الله عبدالغنی بادکوبه ای، سیدمحمد بادکوبه ای و شیخ حنیفه بادکوبه ای، شیخ حسن رامانائی، شیخ کامیاب و میرزا عبدالغفار اردوبادی از علمای مبارز و جسوری بودند که در منطقه باکو و اطراف آن در حال مبارزه با مرام استبدادی کمونیستی جان خود را از دست دادند. در سایر نقاط آذربایجان نظیر گنجه، زیره، سالیان و ... نیز شرایط مشابهی حاکم بود و شیعیان دینگرایی مانند حبیب الله علیزاده فرزند ملاتیمور از زیره و ملاعبدالله و ملاشرف از سالیان از قربانیان سال های استبداد در شوروی بودند.

نظام مندی و نهادینه شدن: ایجاد ساختارهای خاص برای فعالیت های دینی در نهاد حکومت، نشان از این دارد که حکومت جمهوری آذربایجان علیرغم پیشینه ضددینی – با قبول اینکه دولت فعلی در ماهیت خود از میراث اقتدارگرایی دوران شوروی بی بهره نیست – قبل از استقلال و نیز رویکرد سکولار بعد از استقلال، عنصر دین به ویژه اسلام و تشیع را به عنوان واقعییتی انکارناپذیر و بخش انفکاک ناپذیر از هویت شهروندان خود پذیرفته و به رسمیت شناخته است. اداره روحانیت مسلمانان قفقاز که از سال ۱۹۸۰ باکو و به رهبری شیخ الاسلام الله شکور پاشازاده رهبری می شود، قدیمی ترین نهاد دینی آذربایجان و منطقه محسوب می شود. فلسفه وجودی این اداره که در دوره تزارهای روس بنای اصلی آن نهاد شد، کنترل گرایش های دینی مسلمانان و دولتی و حکومتی کردن دین اسلام توسط روس ها بود و در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیز به رغم ماهیت الحادی و آتئیستی نظام کمونیستی، این اداره پابرجا بود. پاشازاده رهبر این نهاد به دلیل هماهنگی کامل با رهبران کمونیست و نیز عدم انجام اقدامات شاخص در امور دینی توسط اداره روحانیت از سوی برخی به عضویت در سازمان امنیتی ک. گ. ب متهم می شد. تا جایی که برخی وی را از افسران ک. گ. ب معرفی می کردند، اتهامی که همواره و به طور جدی از سوی او رد گردیده است. (7)

مقامات دینی و مسئولین اداره روحانیت با وجود همکاری و هماهنگی مداوم با حکومت در مواقعی که کنترل های دولتی کم شده، رفتارهای مستقل و مبتنی بر احیاءگری دینی از خود بروز داده اند. این رویکرد چه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه بعد از آن به چشم می خورد. اداره روحانیت در سال های ابتدایی بعد از استقلال کشور فعالیت های دینی خود را گسترش داد و روزنامه سلام را منتشر کرد که بعد از اندک زمانی انتشار آن متوقف شد و تا سال های اخیر که این اداره دوباره دست به انتشار ارگان مطبوعاتی خود زده است، فاقد ارگان مطبوعاتی بود.

مقامات دولت آذربایجان با ایجاد کمیته دولتی امور تشکل های دینی درصد برآمدند تا کنترل های دولتی بر امور این تشکل ها را قوی تر سازند. دولت آذربایجان با این کار از یک سو برنامه مهار گرایش های دینی و کنترل قدرت دینی اسلامگرا را عملی ساخت و از سوی دیگر به سبب توجه به مسائل دینی مردم وجهه مناسبی کسب کرد. افزون بر اینها باکو با این عمل تشکل های دینی غیرمسلمان را نیز تحت کنترل درآورد و در زیر چتر حمایتی خود قرار داد که این اقدام از دید شورای اروپا و سایر مجامع غربی دور نماند. به طور کلی مجامع غربی از امحاء هویت دینی اقلیت های غیرمسلمان در آذربایجان نگرانند و بر این تصورند که اگر دولت آذربایجان در این زمینه وارد عمل نشود و تضمین های قانونی کافی ارائه نهد، جریان دینی – مذهبی اسلامی از یکطرف و رویکرد سکولاریستی نهادهای عمومی و دولتی از طرف دیگر، هویت دینی فرقه های مسیحی و یهودی را که از نظر اجتماعی در حاشیه قرار دارند، کاملا از بین خواهد برد.

علاوه بر اداره روحانیت مسلمانان قفقاز و کمیته دولتی امور تشکل های دینی، نهادسازی دینی در گروه های سیاسی نیز وجود دارد. حزب اسلامی آذربایجان (صدای اسلام) را قوی ترین نهاد مردمی دین مدار می توان نامید. این حزب که ایده دولت گرایی دینی و ایدئولوژی تشیع سیاسی ایرانی را دنبال می کند، همواره موضع انتقادی در برابر دولت سکولار و غربگرایی باکو داشته است. این حزب که در سال ۱۹۹۲ رسماً به ثبت رسید، در سال ۱۹۹۶ با شدیدترین محدودیت ها و تضییق های دولتی روبه رو گشت. رهبران آن دستگیر شدند و به جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران متهم شدند. این حزب همچنین متهم بود که اعضای جوان خود را برای کسب آموزش های نظامی به ایران گسیل می دارد. منابع غربی اعضای این حزب را در سال ۲۰۰۵ بیش از ۷۰ هزار نفر برآورد کرده بودند. این منابع بستر اجتماعی این حزب را توده عام مردم می دانند که نخبگان جامعه در بین آنها جای چندانی ندارند. (8)

مرکز تجمع اعضاء و فعالیت اصلی حزب اسلامی آذربایجان شهرک نارادان در نزدیکی باکو است. این شهرک که در گذشته قصبه ای بیش نبود، از قدیم الایام چهره مذهبی داشته است و محل تحصیل و پرورش علمای دینی محسوب می شده است. دینداران نارادان که همگی شیعه هستند، متعصب ترین افراد در مسائل دینی – مذهبی در آذربایجان به شمار می روند. آنها تاکنون چندین بار در برابر سیاست های ضددینی دولت باکو و خشونت های پلیسی آن به شدت مقاومت کرده اند و در برخی موارد دولت را وادار به عقب نشینی از برنامه های سخت گیرانه اش کرده اند. علاوه بر حزب اسلامی آذربایجان، گرایش های دین مدار به ویژه مطالبه حق آزادی فعالیت های دینی در برخی دیگر از احزاب و گروه های سیاسی نیز وجود دارد. حزب سوسیال دموکرات آذربایجان و جبهه خلق آذربایجان (شاخه کلاسیک) در این زمره هستند.

شیعه گری آذری ها علاوه بر رویکردهای سنتی و مبتنی بر عادات عامیانه مردم که در بین طرفداران حزب اسلامی رایج است، گاهی در اشکال روشنفکرانه و مترقی نیز تبلور می یابد. جریان مذهبی منتسب به حاجی ایلقار ابراهیم اوغلو روشنفکر مذهبی مهم ترین جریان شیعی مدرن در آذربایجان است. حاجی ایلقار رئیس اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر است و نماینده انجمن بین المللی آزادی دینی در آذربایجان است. انجمن یاد شده نهاد غیردولتی مسیحی است که مرکز آن در آمریکا قرار دارد. این روشنفکر مذهبی جوان که گفته می شود، به مدت ۸ سال به تحصیل علوم دینی و فلسفه اسلامی در دانشگاه های ایران مشغول بوده است، از اندیشه های معتدل آیت الله مرتضی مطهری و دکتر عبدالکریم سروش تأثیر پذیرفته است. دوستان ابراهیم اوغلو در پی سازگاری سنت های مذهب شیعه با شرایط روز و پیوند فعال با نهادهای حقوق بشر در سطح بین المللی هستند. آنها با دایر کردن مراسم اهداء خون به بیماران تالاسمی در روز عاشورا به جای سنت قمه زنی، پرستیز شیعه گری مدرن را از دید غربی ها کسب کرده اند. حاجی ایلقار در کنار توجه به شیوه های ملایم مذهبی از منتقدان سرسخت حاکمیت اقتدارگرایی علی اف است و به خاطر مخالفت های گسترده با دولت در سال ۲۰۰۴ از ادامه امامت جماعت مسجد جمع باکو منع گردید و با محدودیت های اساسی در فعالیت هایش مواجه گردید. (9)

اداره روحانیت مسلمانان قفقاز که بیشتر به فعالیت های اجتماعی می پرداخت و به ندرت در نقش متولی و هدایت گر مسائل دینی ظاهر می شد. همواره سعی داشته است، موضعی ملایم در برابر حکومت ها داشته باشد. همین امر به نوعی دست و پای این نهاد را بسته است و باعث گردیده که نتواند در حوزه امور اجتماعی و عام المنفعه نیز اقدام شاخص و ماندگاری انجام دهد. فعالیت های دینی - مذهبی این اداره نیز چندان قابل اعتنا نبوده است. این نهاد دینی در زمینه پرورش افراد دیندار و خادمین دینی - مذهبی نیز که معمولاً از کارکردهای اساسی یک نهاد مذهبی است، ناموفق بوده است. در سال های اخیر و بعد از تشکیل کمیته دولتی امور تشکل های دینی توسط دولت باکو، اداره روحانیت که از به حاشیه رانده شدن و به فراموشی سپرده شدن بیم داشت، دست به تلاش زد و با تأسیس شعبه ای در مسکو، انتشار نشریه کلام به منزله ارگان مطبوعاتی خود و از سرگیری برخی امور خیریه جدید به رقابت با کمیته دولتی پرداخت. (10)

مراکز دینی - مذهبی مرکز پژوهش های دینی: این مرکز که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد، در پی احیای معارف اسلامی و ارزش های شیعی در آذربایجان است. همان گونه که در بخش های قبلی نیز گفته شد، ریاست این مرکز را روشنفکر دینی جوانی به نام ائلچین عسگراف به عهده دارد و حمایت این مرکز از نظام جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط گسترده بین ایران و آذربایجان از محتوای مطالب تهیه شده توسط مرکز کاملاً آشکار است. این مرکز علاوه بر درج مطالب خبری و تحلیلی در سایت اینترنتی خود مجله قطب را نیز منتشر می کند. انتقاد از برخی سیاست های دولت در زمینه مسائل دینی و اعتراض شدید به گسترش فعالیت های مسیونری مسیحی از رویکردهای مشخص این مرکز تحقیقاتی به شمار می رود. (11)

مرکز دین و دموکراسی: این مرکز در سال ۱۹۹۸ و با اهداف؛ بهبود روابط بین ادیان موجود در آذربایجان، بهبود جایگاه دین اسلام در عرصه های مختلف اجتماعی به عنوان دین اکثریت مردم آذربایجان، تبلیغ اصولی و علمی مبانی و ارزش های صحیح دینی، شکل گیری معارف دینی سالم تأسیس شد. این مرکز بعد از ایجاد، سلسله همایش ها و سمینارهایی را در زمینه سازگاری ارزش های اسلامی و دموکراسی برگزار کرده و یکی از رویکردهای اساسی خود را تعیین جایگاه و نقش واقعی دین اسلام در جامعه آذربایجان تعیین کرده است. به گفته مسئولین این مرکز تصمیم دولت مبنی بر تشکیل کمیته دولتی تشکل های دینی، بنا به درخواست ها، مطالبات و فشارهای این مرکز بوده است. (12)

در رویکرد ارائه شده از سوی این مرکز که به مثابه یک مانیفیست آن را به اطلاع عموم رسانده است موارد مهم زیر آمده است:

- توجه مؤثر رسانه های گروهی کشور به مسائل دینی جامعه؛

- گنجاندن درس های قرآن در دوره تحصیلی متوسطه؛

- گنجاندن درس منطق قرآنی در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه ها؛

- حمایت از برگزاری مراسم دینی - عبادی؛

- حمایت و توجه به اصول زیر در امور دینی:

• تنظیم امور دینی جامعه توسط ارگان های حاکمیتی

• توجه به تحمل عقاید ادیان دیگر

• پیشگیری از سیاسی کردن دین و تشکیل رژیم دینی

این مرکز توسط نریمان قاسم اوغلو شرق شناس و مترجم قرآن کریم به زبان آذری است. وی تألیفات متعددی نیز در زمینه اسلام شناسی دارد. (13)

کمیته دولتی امور تشکل های دینی جمهوری آذربایجان تعداد این تشکل های ثبت شده را ۳۸۶ مورد اعلام کرده است که ۶ مورد به دلیل تخلفات قانونی تعطیل شده اند. برابر آمار این کمیته در بین ۳۸۰ تشکل فعال قانونی تعداد تشکل های مسیحی کمتر از ۲۰ مورد و تعداد تشکل های یهودی نیز کمتر از ۱۰ مورد است و سایر تشکل های مذهبی و دینی متعلق به مسلمانان است. (92) با توجه به این آمار می توان گفت که سهم سازمان های دینی غیراسلامی فعال در آذربایجان از حیث تعداد در مقایسه با سازمان ها و تشکل های اسلامی کم مقدار هستند و اگر سهم مسیحیت و یهودیت در تعداد جمعیت کشور را در نظر آوریم، تعداد تشکل های دینی آنها نیز تقریباً متناسب با این سهم است. البته در این خصوص یهودیت از نظر تعداد تشکل دینی وضعیت بهتری دارد. اما مسئله اصلی تعداد تشکل ها نیست، بلکه مسئله اصلی حوزه نفوذ و برد تبلیغاتی آن هاست. تشکل های اسلامی علیرغم پرتعداد بودن در بهره گیری از اهرم ها و ابزارهای تبلیغی چندان موفق نیستند. بخش عمده این تشکل ها مربوط به هیأت های مذهبی مساجد روستاها است که روش های تبلیغی روزآمدی ندارند. در میان تشکل های اسلامی امامزاده ها، زیارتگاه ها و قدمگاه ها نیز وجود دارند که بیشتر به نیروی مردمی سنتی و روش های عامیانه در فعالیت های خود متکی هستند. برخی از گروه های دینی اسلامی، تشکل هایی هستند که سعی دارند به روش های مدرن در فعالیت دینی متکی باشند. تشکل هایی نظیر «بصیرت»، «عرفان»، «خانیم زهرا» در این زمره اند. وجود دو تشکل دینی مربوط به فرقه بهائیت نیز از نکات درخور توجه است. این دو تشکل به صورت رسمی توسط کمیته دولتی ثبت شده و به طور قانونی فعال هستند. (14)

دانشگاه اسلامی باکو: این دانشگاه نیز از مراکز علمی و آموزشی اسلامی فعال در آذربایجان است که در منابع اطلاعاتی از این دانشگاه یافته های قابل اعتنایی موجود نیست. دانشکده الهیات دانشگاه دولتی باکو نیز از مراکز علمی - دین اسلامی است که نسبت به دانشگاه اسلامی مشهورتر است. نکته قابل توجه دیگر این است که تشکل های اسلامی به ویژه مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی دینی به صورت مشخص وجهه شیعی ندارند و گویا شیعه محوری در فعالیت دینی اسلامگراهای آذربایجان چندان مورد توجه نیست.

چالش ها و تهدیدهای دینی و مذهبی

فعالیت های مسیونری: گروه های مسیونری مسیحی و یهودی بعد از توجه دولت باکو به اعطای آزادی فعالیت های دینی - مذهبی، گسترش درخور توجهی در کشور داشته اند. فعالیت این گروه ها که از نظر قانونی ثبت شده هستند، در کنار اهتمام دولت به بازسازی و احیاء فعالیت مکان های مذهبی مسیحی و یهودی نمود بارزی پیدا کرده است، تا جایی که شهروندان مسلمان بارها نگرانی شدید خود را پیرامون گسترش زایدالوصف این گروه ها اعلام نموده اند. در این زمینه گردانندگان اداره روحانیت مسلمانان قفقاز و شیخ الاسلام پاشازاده رهبر این نهاد نیز بارها نگرانی و اعتراض خود را به دولت اعلام نموده اند.

برخی از این گروه ها فعالیت های چندجانبه ای را دنبال می کنند. بنیاد سوروس که توسط جورج سوروس شهروند آمریکایی یهودی تبار و با دارا بودن شعبه های متعدد در کشورهای مختلف جهان هدایت می شود، مهم ترین این گروه ها در آذربایجان به شمار می رود. بنیاد سوروس در کنار تبلیغ مسیحیت به اقدامات عام المنفعه مختلفی در این کشور دست می زند. کمک به خانواده های مستمند به ویژه آوارگان جنگی قره باغ، انجام پروژه های بهداشتی و آموزشی (از جمله آموزش های دینی مسیحیت، رایانه و زبان انگلیسی) و توانمندسازی جامعه زنان شیعه آذری در جهت مشارکت و ایفای نقش بیشتر در عرصه های مختلف اجتماعی - مدنی فعالیت های شبکه ای و متصل به هم توسط این بنیاد است که موفقیت هایی نیز در پی داشته است. هرچند بنیاد سوروس در آذربایجان به اندازه برخی دیگر کشورها نظیر گرجستان موفق نبوده است - که بدون شک اقدامات متقابل و افشارگری های دینداران شیعه در این عدم موفقیت نقش داشته است - ولی در توصیف موفقیت گروه های مسیحی شاید همین کافی است که بدانیم همانگونه که در بخش مربوط به قوم آذری گفته شد، تاکنون در جامعه محدودی مانند آذربایجان ۵۰۰۰ نفر به دین مسیحیت گرویده اند.

پیروان آیین های کریشنا و یهوا آیین های مسیحی نیز که در آذربایجان پایگاه دارند. پیروان یهوا که نام گروه «شاهدان یهوا» بر خود نهاده اند، در برخی کشورهای غربی فرقه های دینی انحرافی تلقی می شود و از این روست که در برخی کشورهای اروپایی فعالیت این فرقه متوقف گردیده است. کمیته دولتی امور تشکل های دینی آذربایجان چند مورد از فرقه های مسیونری مسیحی را به دلیل اقدامات مخرب و تفرقه ساز تعطیل ساخته است، ولی تاکنون فعالیت شاهدان یهوا را آزاد گذاشته است. رافق علی اف رئیس کمیته یاد

شده در این خصوص عقیده دارد؛ مادامی که دولت آذربایجان شاهد اقدامات مخرب و آشوب ساز این فرقه نیست به آن اجازه ادامه فعالیت می دهد. (۹۴)

مسیونرهای مسیحی برای ترویج دین خود در جامعه آذربایجان از ابزارهای رسانه ای نیز بهره می گیرند. شبکه تلویزیونی ECTV با هدف گسترش دین مسیحیت برنامه های خود را از طریق ماهواره یوروست و به صورت کابلی پخش می کند. علی رغم نارضایتی اکثریت مردم از برنامه های این شبکه، مسئولین شورای نظارت بر فعالیت رسانه ها در جمهوری آذربایجان از نبود مکانیسمی برای کنترل برنامه های این شبکه - به دلیل پخش برنامه های آن در اراضی خارج از آذربایجان - سخن گفته است. (15)

برخی از فعالین عرصه های دینی در آذربایجان گسترش فعالیت های مسیونری مسیحی در آذربایجان را با لابی ارامنه در اروپا و آمریکا مرتبط می دانند. این موضوع تاکنون بارها در مطبوعات آذربایجان مورد تأکید قرار گرفته است. برخی مطبوعات اخباری منتشر کردند، مبنی بر اینکه در داخل اعضای مسیونری و مبلغین گروه های مذهبی مسیحی در آذربایجان افراد وابسته به لابی ارامنه در اروپا و آمریکا و حتی افراد مرتبط با تشکیلات امنیتی - اطلاعاتی جمهوری ارمنستان وجود دارند و اسنادی نیز در این رابطه در رسانه های آذری منتشر گردیده است.

در سال ۱۹۹۶ کتابی در جمهوری آذربایجان با نام «گروه های مسیونری مسیحی در آذربایجان و اقدامات مخرب سیاسی، معنوی و ایدئولوژیک» منتشر شد و به صورت مفصل به این موضوع پرداخت. مرکز مطالعات دینی آذربایجان که توسط اسلامگرایان روشنفکر هدایت می شود، نیز مقالات متعددی در این زمینه منتشر کرده است و به مجامع مدنی و دولت در زمینه فعالیت این گروه ها که حمایت برخی مجامع غربی را نیز به دنبال دارند، هشدار داده شده است. (16)

محافل دینی آذربایجان با بررسی سابقه و عملکرد مسیونرهای مسیحی که عموماً عادات و رسوم غیرمعمولی دارند، با یادآوری ممنوعیت و محدودیت فعالیت آنها در غرب، گسترش این تفکرات در صحنه اجتماعی جمهوری آذربایجان را حرکت حساب شده محافل غربی می دانند که پشت پرده این حرکت ها عوامل ارمنی نهفته است. (17)

صوفی گری و فعالیت طریقت ها: تصوف و فعالیت طریقت های صوفیانه در جمهوری آذربایجان برعکس آنچه در آسیای مرکزی و حتی مناطق شمالی قفقاز نظیر داغستان و چچنستان از دیرباز رایج و مرسوم بوده است، رواج کمتر و ناچیزی داشته است. آنچه امروز در جمهوری آذربایجان تحت نام صوفی گری جریان دارد، در واقع تأثیراتی است که از طریقت های صوفی رایج در آسیای مرکزی و داغستان نشأت گرفته است و می توان گفت؛ این ایده ها در آذربایجان بومی نشده اند. طریقت های صوفی گری چهارگانه نقشبندی، قادریه، یسویه و بکتاشیه به نوعی تأثیرات خود را در بین علاقمندان تصوف در آذربایجان گذاشته اند. در این میان تأثیرات طریقت های نقشبندی و قادریه بیشتر از آسیای مرکزی و نفوذ آموزه های یسویه و بکتاشیه اغلب از سوی محافل تصوف ترکیه صورت گرفته است. پس از استقلال جمهوری آذربایجان و به دنبال روابط رو به تازید بین آذربایجان و ترکیه، محافل صوفیگری ترکیه از خلأ مذهبی موجود در آذربایجان بهره برده و شاخه های فرعی طریقت های صوفی مانند نورچی ها در این کشور نفوذ کرده اند. فتح الله گولن شخصیت مشهور دینی - فرهنگی ترکیه و هدایتگر اصلی شاخه نورچی ها اهتمام خاصی در زمینه فعالیت در آسیای مرکزی و قفقاز می ورزد. روزنامه اسلامگرای زامان چاپ ترکیه که با محافل دینی نورچی ها پیوند دارد، در میان نسخه های منتشره به زبان های خارجی به زبان آذری نیز اهمیت ویژه ای می دهد. همانگونه که اشاره شد، نفوذ طریقت ها (حتی طریقت شیعه محور و علوی بکتاشیه) در آذربایجان بسیار محدود است ولی از آنجا که اسلام طریقت گرا، عمل به احکام شریعت را سبک می شمارد و باعث کاهش روحیه نظم پذیری در عمل به احکام شرعی می شود و این روش ظاهراً سازگاری بهتری با سلاطین مردمی دارد که طی سال ها زیستن در محیط کمونیسم، نظم و انضباط شرعی ندارند. شاید این گفته یکی از تحلیل گران در آذربایجان واقعی باشد که معتقد است؛ اغلب مردم این جمهوری به راحتی در زیارتگاه های مذهبی می روند ولی در ادای

فریضه نماز کاهلی می کنند. (18) اگر این روحیه همچنان در بین مردم باقی بماند، محیط مساعدی در پذیرش طریقت های صوفی به وجود خواهد آمد.

فعالیت های اهل تسنن: فعالیت های مذهبی اهل سنت در جمهوری آذربایجان در دو بخش قابل تحلیل است. بخش اول جمعیت سنی مذهب کشور است که ۱۴ تا ۱۹ درصد از جمعیت کل کشور و ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت مسلمانان جمهوری را به خود اختصاص داده اند. بخش دوم مربوط به فعالیت مذهبی سنی توسط کشورهای مسلمان دیگر نظیر ترکیه و کشورهای عربی است. در بخش اول از آنجا که اهل تسنن جزو اقوام اقلیت و از نظر سیاسی - اجتماعی در حاشیه هستند، از این رو فعالیت مذهبی آنها از تبلیغات قوی و مؤثری برخوردار نیست. سنی ها عموماً در مناطق حاشیه ای و در نزدیکی مرزهای شمال شرقی و شمالی و جنوبی و جنوب شرقی زندگی می کنند. در باکو محل تمرکز فعالیت های شهروندان سنی مذهب مسجد تاریخی اژدربیگ است. اهل سنت در دستگاه های دولتی جایگاه درخور توجهی ندارند و اهرم و ابزار تبلیغاتی قوی و مؤثری نظیر رسانه های دیداری، نوشتار و الکترونیکی به صورت چشمگیر ندارند. برعکس این بخش از فعالیت های سنی مذهب، تفکر سنی وارداتی از خارج فعال تر عمل می کند. جمهوری ترکیه یکی از مؤثرترین کشورها در این زمینه محسوب می شود. روابط بسیار گسترده و ریشه دار جمهوری ترکیه و جمهوری آذربایجان باعث شده است که اسلامگرایان ترکیه محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان را برای فعالیت مناسب ببینند. این تلاش ها با قدرت گرفتن اسلامگراها در ترکیه نمود بارزتری خواهد یافت. تأسیس دانشکده الهیات در دانشگاه دولتی باکو با کمک دولت ترکیه از مصادیق این اثرگذاری است. علاوه بر دولت ترکیه، هولدینگ ها و بنگاه های بزرگ فرهنگی اسلامگرا در ترکیه که پشتوانه اقتصادی قوی نیز دارند، جامعه آذربایجان را از هر حیث (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) برای فعالیت مناسب می بینند. در بین کشورهای عربی نیز کویت و عربستان سعودی بیشترین فعالیت دینی را در جمهوری آذربایجان دارند. اخیراً نیز روابط آذربایجان با جمهوری عربی سوریه رو به گسترش است که قاعدتاً ارتباطات فرهنگی و مذهبی نیز به دنبال خواهد داشت. در میان کشورهای خارجی سنی مذهب شاید فعالیت گروه های کویت و عربستان را به توان به نوعی تهدید جدی ولی محدود برای تفکر شیعی آذربایجان محسوب کرد. نهادهای مذهبی ترکیه چه به لحاظ میانه روی و چه از نظر نبود تفکر تقابلی با تشیع در این کشور، معمولاً در پی رویارویی یا تضعیف مذهب شیعه نیستند. با این اوصاف تسنن در آذربایجان تهدید اساسی برای تشیع نیست. برخی بر این باورند که اهل سنت آذربایجان در طول سال های استبداد ضددینی کمونیسم اتحاد محکمی با تشیع ایجاد کرده اند که اثرات آن در احترام به مناسک مذهبی شیعی مانند عزاداری های ماه محرم و ... جلوه گر است. (19)

فعالیت فرقه های اسلامی منحرف: بهائیت و وهابیت دو نمونه بارز فرقه های اسلامی انحرافی در آذربایجان هستند. در این میان فرقه بهایی که موقعیت تضعیف شده ای در سایر کشورها نیز پیدا کرده است، با دارا بودن دو تشکل ثبت شده و قانونی فعالیت می کنند ولی انعکاس چندانی از فعالیت این فرقه انحرافی در جامعه آذربایجان به چشم می خورد. فرقه انحرافی و ضدشیعی وهابیت در منطقه قفقاز عموماً از نواحی داغستان و چچنستان تغذیه می شود. البته سرمنشأ اصلی این فرقه در عربستان قرار دارد و در حال حاضر در اکثر نقاط دنیا به ویژه در کشورهای اسلامی فعالیت دارد. این فرقه که توسط محمدبن عبدالوهاب برپایه شاخه جنبلی مذهب تسنن در قرن هجدهم میلادی شکل گرفته است، با ایدئولوژی سلفی گری در پی استقرار تفکر انعطاف ناپذیر و افراطی در دین اسلام هست و مخالفین خود را از هر دین و مذهبی که باشند با خشن ترین روش ها از بین می برند. آنها خود را موحدین و مسلمانان واقعی می دانند. وهابی ها شرایط بسیار سخت و دشواری برای ادای فرایض دینی دارند، زیارت اماکن مقدس و مراسم مولودی پیامبر اکرم (ص)

را حرام می دانند و در این زمینه با شیعیان و اهل تصوف مخالفت سرسختانه ای دارند و این امور را شرک می دانند. (20)

به طور کلی در محدوده سرزمینی به جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی، تفکرات دینی افراطی در مناطق فقیر بیشتر رشد و نمو داشته است. ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان در آسیای مرکزی و مناطق داغستان و چچن - اینگوش در شمال قفقاز مناطقی اند که پس از فروپاشی شوروی فعالیت های زیادی با نام احیای دین اسلام در آنها انجام شد و وجه غالب این فعالیت ها فرقه های افراطی و یا تصوف بوده است ولی در مناطقی مانند قزاقستان و ترکمنستان احیای اسلامی بسیار ضعیف تر بوده است.

در این میان جمهوری آذربایجان علی‌رغم اینکه مانند قزاقستان و ترکمنستان وضع اقتصادی مناسب تری دارد ولی جریان احیای اسلام در آن بیشتر از این دو کشور و البته کمتر از کشورهای فقیر اسلامی است. تفاوت دیگر آذربایجان با کشورهای فعال در زمینه اسلامگرایی، ماهیت این تحولات است. در آذربایجان احیای دینی اغلب مبتنی بر آیین شیعه بوده و کمتر اثری از تصوف و فرقه‌های افراطی دیده می‌شود.

افراطی‌گری و رادیکالیسم در اسلامگرایی کشورهای مستقل همسود (مشترک المنافع) اغلب در دو وجه تندرو و میانه رو متجلی است. شکل افراطی این اندیشه وهابیت و جنبش نظامی اسلامی ازبکستان است و شکل میانه روتر آن حزب التحریر است که در کشورهای منطقه فعالیت دارند.

با وجود اینکه فرقه‌های افراطی به ویژه وهابیت اغلب در بین گروه‌های سنی حاشیه‌ای در آذربایجان نفوذ دارند ولی گفته می‌شود که این فرقه در باکو و سومقایت مورد حمایت قرار می‌گیرند و از منابع مالی برخوردارند. (21)

وهابیت در آذربایجان درصد بهره‌گیری از مسئله قره باغ و تشویق به مبارزه مقدس دینی - میهنی نیز هست تا از این طریق جامعه مسلمانان و حتی شیعیان آذربایجان را جذب خود نماید.

تهدیدهای غیردینی

سکولاریسم: حاکمیت در جمهوری آذربایجان در دوره اتحاد جماهیر شوروی برپایه آتئیسم و الحادگری استوار بود و علاوه بر اینکه از هویت دینی شهروندان به مثابه بخشی از حقوق انسانی آنها حمایت نمی‌کرد، سیاست‌های ضددینی سرسختانه‌ای را اعمال می‌نمود. پس از استقلال کشور، ماهیت نظام سیاسی و حاکمیت کشور با جهت‌گیری دنیوی و سکولاریستی تعیین گردید. هرچند در سال‌های اخیر دولت توجه به مسائل دینی را در دستور کار خود قرار داده است، پاره‌ای از برنامه‌ها و اقدامات دولتی نشان می‌دهد که حکومت باکو توجه به امور دینی را نه به عنوان پاسداری از هویت دینی مردم بلکه بیشتر در راستای تحکیم اقتدار خود و پیشگیری از تنش‌های دینی - مذهبی که باعث تضعیف اقتدار نظام سیاسی می‌شود، وجهه همت خود قرار داده است.

دولت آذربایجان در اختصاص بخشی از ساختار خود به مسائل دینی به گونه‌ای عمل کرده است که شائبه دخالت دولت در دین در ظاهر ایجاد نشود. کمیته مرتبط دولتی در این زمینه کمیته امور تشکل‌های دینی است که گویا به طور مستقیم به مسائل دینی نمی‌پردازد، بلکه رسیدگی به امور تشکل‌های دینی را مدنظر دارد، ولی در عمل حوزه اختیارات دولت به گونه‌ای است که با تعطیل کردن تشکل‌ها و نیز ثبت و قانونی نمودن تشکل‌های جدید عملاً در امور دینی تأثیرگذار است. رویکرد چند سال اخیر مقامات و نهادهای دولتی در ایجاد محدودیت برای گروه‌های دینی شیعی و تساهل و تسامح در برخورد با سایر گروه‌ها این فرضیه را قوت بخشیده است که دولت به دلیل اعمال فشار از سوی برخی کشورهای غربی و مجامع دینی و مدنی غرب در مواجهه با گروه‌های مسیحی سهل‌انگارانه برخورد می‌کند و محدودیت زیادی برای آنها قائل نیست و در برابر گروه‌های مذهبی سنی نیز به دلیل ملاحظات خاص سیاسی با ترکیه و برخی کشورهای عربی سخت‌گیری نمی‌کند. ولی برای گروه‌های شیعی به دلیل نداشتن حامی خارجی قوی و نیز ترس از قدرت گرفتن اسلامگرایی شیعه که پتانسیل‌های زیادی برای به دستگیری قدرت دارند، بیش از همه سختگیری می‌کند. رافق علی‌اف رئیس کمیته دولتی امور تشکل‌های دینی این نظریه را قویا رد می‌کند و بر این اعتقاد است، دولت گروه‌های مذهبی را نه براساس نوع مذهب و گرایش آنها، بلکه براساس عملکردشان و نحوه رفتار در برابر قانون ارزیابی می‌کند و در مورد فعالیت آنها تصمیم می‌گیرد. (22)

ایجاد محدودیت در زمینه استفاده از حجاب در اماکن عمومی نظیر دانشگاه‌های دولتی، ممنوعیت پخش اذان در مساجد و محدودسازی برخی مراسم مذهبی برای شیعیان در سال‌های اخیر از جمله سختگیری‌های دولت در برابر دینگرایی شیعی بوده است. البته این اقدامات با اعتراض شدید مردم و گروه‌ها و نهادهای مذهبی در داخل کشور و در خارج (به ویژه در مناطق آذری نشین ایران) مواجه شده و دولت باکو را مجبور به عقب‌نشینی کرده است. علاوه بر محدودیت‌های نظام سیاسی سکولار برای فعالیت‌های مذهبی شیعی، در چند سال اخیر جریان احیای شیعی نیز در برخی رسانه‌های کشور رواج محدودی پیدا کرده است. انتشار مقاله رافیق تقی‌علیه دین اسلام در نشریه صنعت قرآنی از مصادیق این جریان بود که آن نیز با سیل خروشان اعتراضات در داخل و خارج مواجه و دولت و نهادهای قضایی کشور را وادار به دستگیری و محکومیت نویسنده یاد شده کرد. فعالین دینی در آذربایجان رواج این دیدگاه‌ها را نتیجه بی‌مبالاتی و عدم احساس مسئولیت مقامات دولتی می‌دانند و حتی گفته می‌شود، دولت از این جریان حمایت می‌کند. (23) این جریان را برخی نوعی آتئیسم و الحادگری نوین در آذربایجان می‌نامند. ولی ابعاد این جریان نشان می‌دهد که چنین رفتارهایی بیش از آنچه الحادی و دین‌ستیز بودن دولت را نشان دهند، بیانگر مسامحه‌گری آن هستند. به نظر می‌آید، پایبندی نظام سیاسی به سکولاریسم و توجه بیش از اندازه به خواست‌های غربی‌ها و مجامع اروپایی دولت آذربایجان را در موقعیتی قرار داده است که از یکسو با حرکت‌های اصیل شیعی به مقابله بپردازد و از سوی دیگر جریان‌های غیرشیعی به ویژه مسیونرهای مسیحی را آزاد

گذارد و اتخاذ چنین رویه‌ای باعث می‌گردد، دولت در آینده با بحران اساسی در مشروعیت مردمی مواجه گردد. واکنش محافل شیعی و سایر مسلمانان در آذربایجان به همراه عکس‌العمل گسترده از طرف آذری‌های ایران، زنگ خطر را برای دولت سکولار و غربگرای باکو به صدا درآورد. دیدگاه‌های آذری‌های ایران از آن حیث که ارتباط زبانی و عاطفی قوی با شهروندان جمهوری آذربایجان دارند و در قضیه قره باغ همواره مدافع آنها بوده و حتی به انتقاد از سیاست‌های دولت ایران پرداخته‌اند، برای محافل سیاسی و اجتماعی - فرهنگی جمهوری آذربایجان دارای اهمیت زیادی است.

به هر حال از آنجا که نظام سیاسی جمهوری آذربایجان ماهیتاً سکولار و برپایه جدایی دین و سیاست مبتنی است، از این رو امیدواری زیادی برای شیعیان وجود ندارد که دولت از تفکر و ایدئولوژی شیعی به منزله اعتقاد اکثریت مردم به طور مؤثر حمایت کند. بنابراین می‌توان گفت که جریان احیای تفکر شیعی باید درونزا و مردم‌محور باشد و در این صورت است که ضمن افزایش اقبال عمومی به ارزش‌های مذهبی، دولت نیز در وضعیتی منفعلانه قرار می‌گیرد. محدودیت‌های ناشی از ملاحظات سیاسی: نظام سیاسی آذربایجان علاوه بر سکولار بودن، ماهیتی کاملاً اقتدارگرا و تمامیت‌خواه دارد و بر همین اساس است که دولت از قدرت یافتن هرگونه جریان سیاسی یا دینی خارج از تسلط و دایره فکری خود جلوگیری می‌کند. مخالفت‌ها و محدودیت‌های ناشی از ملاحظات سیاسی از طرف دولت برای دینداران شیعی تا اندازه زیادی با نظام سیاسی و ایدئولوژی رایج در جامعه اسلامی ایران در ارتباط است.

روابط شیعیان با ایران

در اوضاع کنونی جمهوری اسلامی ایران هم در جایگاه دولت و نظام سیاسی و هم در جایگاه ایدئولوژی یک ملت، اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین حامی تفکر تشیع در جهان اسلام است و نظام بین‌الملل و افکار عمومی نیز این واقعیت را پذیرفته است. با وجود این سطح ارتباطات و مناسبات ایران با کشورهای مختلف در موضعگیری آنها نسبت به ایدئولوژی شیعی تأثیرگذار است. جمهوری آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر چند دو کشور در شرایط کنونی از سطح قابل قبول روابط و مناسبات برخوردارند ولی پاره‌ای مسائل تنش‌زا بین دو کشور مانع از برخورداری مؤثر شیعیان آذربایجان از حمایت‌های ایران گردیده است. برخی از این موانع بدین قرارند:

- عدم حمایت قاطع و مؤثر ایران از آذربایجان در مناقشه قره باغ و نیز برقراری روابط روبه‌رشد بین ایران و ارمنستان که برخی تحلیل‌گران آن را در ادامه اشغال خاک آذربایجان توسط ارمنه مؤثر می‌دانند. آنها معتقدند اگر روابط ایران و روسیه با ارمنستان نبود، این کشور که از طرف آذربایجان و ترکیه محاصره اقتصادی شده بود، مجبور به تخلیه اراضی اشغالی می‌شد. طی چند سال اخیر روابط ایران و ارمنستان به طور خارق‌العاده افزایش یافته و به چند برابر رسیده است. این در حالی است که روابط تهران - باکو نسبت به سال‌های آغازین استقلال آذربایجان محدودتر شده است و اساساً تهران برعکس سایر مسائل مثل مسئله فلسطین، مسئله قره باغ را مسئله جهان اسلام نمی‌داند.

- انجام تبلیغات منفی بسیار گسترده علیه دولت گرای دینی و مبتنی بر مذهب شیعه در ایران که نخبگان جامعه آذربایجان را نسبت به مدل ایدئولوژی و نظام سیاسی ایران بدبین ساخته و آنها را از قدرت‌گیری شیعه و احتمال شکل‌گیری دولتی دینی بیمناک نموده است.

– اختلاف نظر دولت ایران و آذربایجان پیرامون برخی مسائل سیاست خارجی و سیاست های منطقه ای نظیر رژیم حقوقی دریای خزر و روابط آذربایجان با آمریکا و اسرائیل – انتقاد برخی محافل باکو از آنچه که آن را عدم احقاق حقوق مدنی و فرهنگی آذری های ایران می نامند که البته در این خصوص دولت باکو نقش چندانی ندارد و این دیدگاه اغلب از سوی برخی احزاب و گروه ها مطرح می شود.  
علاوه بر جمهوری اسلامی ایران، ملاحظات سیاست خارجی باکو در قبال سایر کشورهای اسلامی مانند ترکیه و برخی ممالک عربی نیز در پیشگیری از شکل گیری قدرت شیعی در آذربایجان می تواند به مثابه یک فرضیه تلقی گردد.  
با توجه به موارد اشاره شده، در شرایط کنونی شیعیان جمهوری آذربایجان در داخل از حمایت دولتی لازم برخوردار نیستند و حمایت خارجی چندانی هم از آنها به عمل نمی آید. روند فعلی جریان دینگرایی شیعی در این کشور به گونه ای است که شرایط دشوار این مذهب باعث نابودی آن در کشور نمی شود ولی سبب می گردد، انقطاع صورت گرفته بین تفکر شیعی ایرانی با باورها و اعتقادات شیعیان آذربایجان روز به روز پررنگ تر شده و شکاف عمیقی بین این دو ایجاد شود. از این روست که برخی بر این باورند، جریان شیعی جمهوری آذربایجان در حال یافتن هویت مستقل و متفاوت از ایران است. (24) این مسئله در آینده باعث بروز اختلافات و تنش هایی بین این دو خواهد شد و قطعاً سبب خواهد گردید، حوزه نفوذ و دایره مشروعیت ایدئولوژی شیعی ایرانی در آذربایجان روزه روز کمتر گردد که هم تبعات منفی بر مذهب شیعه دارد و هم پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی – فرهنگی برای دو ملت به دنبال خواهد داشت.  
منابع و مأخذ :

1. <http://www.azararan.ir/fa/index2>

2. بالجی – بایرام، سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی، پایگاه اینترنتی <http://bashgah.net/pages-5276.html>

3. <http://www.azararan.ir/fa/index2>

4. Ibid.

5. Ibid.

6. Ibid.

7. Framing Perceptions of Islam and the ‘Islamic Revival’ in the Post – (Soviet Countries, JRSI Journal, Romania 2005 (Website: <http://fuadaliyev.blogspot.com>

8. Ibid.

9. بالجی – بایرام، سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی، پایگاه اینترنتی <http://bashgah.net/pages-5276.html>

10. <http://www.qutb.org/nezer.htm>

11. <http://www.islam.az/az>

12. <http://ddm.iatp.az/ddm/bizaz.html>

13. <http://ddm.iatp.az/ddm/konsepaz.html>

14. <http://www.addk.net/eng/dini-ichmalar-uk.html>

15. Ibid.

16. مطلق گرایی در جدایی دین از دولت امکان پذیر نیست، مصاحبه رافیق علی اف رئیس کمیته دولتی امور تشکل های دینی جمهوری آذربایجان با نشریه قطب، پایگاه اینترنتی <http://www.qutb.org/mus.htm>

17. <http://shia-news/show news.asp?cod=86081105>

18. <http://www.qutb.org/akt.htm#01>

19. <http://www.qutb.org/teq.htm#top>

20. بالجی – بایرام، سرنوشت مذهب شیعه در آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی، پایگاه اینترنتی <http://bashgah.net/pages-5276.html>

21. Framing Perceptions of Islam and the ‘Islamic Revival’ in the Post – (Soviet Countries, JRSI Journal, Romania 2005 (Website: <http://fuadaliyev.blogspot.com>

22. Ibid.

23. Ibid.

24. <http://www.qutb.org/mus.htm>

پایان پیام.